

Editorial

A Sociological Explanation of Governance in Social Affairs

Shamsollah Mariji[✉]

Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. mariji@bou.ac.ir



Abstract

This study adopts an analytical–theoretical approach to examine the sociological foundations of governance in social affairs and the requirements for its implementation in contemporary society. Drawing on Émile Durkheim’s ideas, social affairs are conceptualized as rules, values, and behavioral patterns characterized by objectivity, coerciveness, and generality that underpin social order and solidarity. The increasing complexity of social issues and emerging challenges necessitates a transition from traditional, centralized models of government to a comprehensive model of social governance. This model entails a participatory, network-based process in which four key actors—the state, civil society, the private sector, and citizens—interact and generate synergies. The analysis indicates that effective governance in the social domain rests on five fundamental principles: participation, accountability, transparency, the rule of law, and justice. Structural analysis further identifies excessive centralization, the erosion of public trust, administrative corruption, and class disparities as major obstacles to implementing this model. The study concludes by emphasizing the need for decentralization, the delegation of authority to local institutions, the strengthening of social capital, and a shift from crisis-driven, reactive management to preventive, multisectoral policymaking.

Keywords: Social affairs, social governance, social capital, civil society, civic participation.

Cite this article: Mariji, S. (2026). Editorial: A Sociological Explanation of Governance in Social Affairs. *Islamic Governance Studies*, 2(2), p. 7-14. <https://doi.org/10.22081/jislamicgo.2026.75090.1078>

Type of article: Research Article

Publisher: Islamic Sciences and Culture Academy

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights



<https://jislamicgov.isca.ac.ir>

المقالة الافتتاحية

المقاربة السوسيولوجية للحكومة في الحقل الاجتماعي

شمس الله مريجي

أستاذ، قسم العلوم الاجتماعية، كلية العلوم الاجتماعية والسلوكية، جامعة باقر العلوم (ع)، قم، إيران. mariji@bou.ac.ir



الملخص

تتناول هذه الدراسة، عبر مدخل تحليلي - نظري، التفسير السوسيولوجي للحكومة في الحقل الاجتماعي ومقتضياتها في إدارة المجتمع المعاصر. وانطلاقاً من أطروحات إميل دوركايم، يُؤطّر «الشأن الاجتماعي» بوصفه منظومة من القواعد، والقيم، والأنماط السلوكية المتسمة بالموضوعية، والجبرية، والعمومية، والتي تشكل حجر الزاوية في بناء النظام والتماسك الاجتماعي. ومع تنامي تعقيد المعضلات الاجتماعية المستحدثة، باتت إدارة الشأن العام تتجاوز النماذج البيروقراطية المركزية للحكم التقليدي، مستدعيةً التحول نحو نموذج مرّن لـ«الحكومة الاجتماعية». ويقوم هذا النموذج على مسار تشاركي وشبكي يتأسس على التفاعل والتأزر بين أربعة فاعلين محوريين: الدولة، والمجتمع المدني، والقطاع الخاص، والمواطنون. وأظهرت نتائج التحليل أن إرساء حوكمة اجتماعية فاعلة يركز على خمسة مبادئ جوهرية: المشاركة، والمساءلة، والشفافية، وسيادة القانون، والعدالة. كما كشف التشخيص البنيوي أن المركزية المفرطة، وتآكل رأس المال الاجتماعي، والفساد الإداري، والتمايز الطبقي تمثل أبرز العوائق الهيكلية أمام تحقق هذا النموذج. ويخلص البحث إلى حتمية تفكيك المركزية، ونقل الصلاحيات للهيئات المحلية، وتنمية الثقة المجتمعية، والتحول من النمط الإداري الانفعالي القائم على إدارة الأزمات إلى منظومة السياسات العامة الاستباقية ومتعددة القطاعات.

الكلمات المفتاحية: الشأن الاجتماعي، الحكومة الاجتماعية، رأس المال الاجتماعي، المجتمع المدني، المشاركة المدنية.

استناداً إلى هذه المقالة: شمس الله (۲۰۲۶). المقاربة السوسيولوجية للحكومة في الحقل الاجتماعي. دراسات الحكومة الإسلامية، ۲۲(۲)، ص ۷-۱۴.
<https://doi.org/10.22081/jislamicgov.2026.75090.1078>

الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية

نوع المقالة: بحثية



<https://jislamicgov.isca.ac.ir>

سرمقاله

تبیین جامعه‌شناختی حکمرانی در امر اجتماعی

شمس‌الله مریجی^{۱۵}

استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. mariji@bou.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی- نظری به تبیین جامعه‌شناختی حکمرانی در امر اجتماعی و بایسته‌های آن در مدیریت جامعه معاصر می‌پردازد. امر اجتماعی بر پایه آرای امیل دورکیم، در قالب قواعد، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری دارای ویژگی‌های عینیت، الزام‌آوری و عمومیت تبیین شده که شالوده نظم و همبستگی اجتماعی را شکل می‌دهد. با پیچیده‌تر شدن مسائل و چالش‌های نوپدید اجتماعی، اداره جامعه از الگوهای سنتی و متمرکز حکومت‌داری فراتر رفته و نیازمند گذار به الگوی فراگیر «حکمرانی اجتماعی» است. این الگو فرایندی مشارکتی و شبکه‌ای است که در آن چهار بازیگر کلیدی شامل دولت، جامعه مدنی، بخش خصوصی و شهروندان به تعامل و هم‌افزایی می‌پردازند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که تحقق حکمرانی کارآمد در قلمرو اجتماعی بر پنج اصل بنیادین مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، قانون‌مداری و عدالت استوار است. همچنین آسیب‌شناسی ساختاری بیانگر آن است که چالش‌هایی نظیر تمرکزگرایی مفرط، فرسایش اعتماد عمومی، فساد اداری و شکاف طبقاتی از موانع اصلی تحقق این الگو به‌شمار می‌روند. در نهایت، متن پیش‌رو بر ضرورت تمرکززدایی، تفویض اختیار به نهادهای محلی، تقویت سرمایه اجتماعی و تغییر رویکرد از مدیریت بحران‌محور و واکنشی به سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه و چندبخشی تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: امر اجتماعی، حکمرانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی، مشارکت شهروندی.

۱. ماهیت امر اجتماعی

«امر اجتماعی» به مجموعه قواعد، ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری گفته می‌شود که خارج از افراد در جامعه وجود داشته و در ساماندهی رفتار فردی و اجتماعی افراد دخالت داشته و چراغ هدایت رفتار هستند. این مفهوم یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم جامعه‌شناسی است؛ زیرا به درک چگونگی تأثیر جامعه بر رفتار افراد و نحوه شکل‌گیری نظم اجتماعی کمک می‌کند. این مفهوم به صورت نظام‌مند، اولین بار توسط دورکیم مطرح شد. به اعتقاد وی، قوانین، آداب و رسوم، باورهای دینی، زبان، هنجارهای اخلاقی و بسیاری از نهادهای اجتماعی از مصادیق مفهوم امر اجتماعی محسوب می‌شوند؛ چون افراد آن‌ها را به‌تنهایی ایجاد نکرده‌اند، بلکه از جامعه به ارث برده و باید از آن پیروی کنند. این مفهوم را می‌توان از طریق سه ویژگی اصلی شناخت: «خارجی بودن» به این معنی که پیش از تولد افراد وجود داشته و مستقل از اراده آنهاست؛ «اجباری بودن» بدین معنا که نوعی فشار یا الزام اجتماعی برای رعایت آن‌ها وجود دارد؛ «عمومیت داشتن»، چراکه در میان بخش بزرگی از اعضای جامعه رایج هستند.

۲. اهمیت امر اجتماعی

امر اجتماعی، از جهات متعددی در جامعه‌شناسی از اهمیت بالایی برخوردار است. نخست، موضوع اصلی مطالعه جامعه‌شناسی را مشخص می‌کند؛ یعنی جامعه‌شناسان به جای تمرکز صرف بر ویژگی‌های فردی، پدیده‌های اجتماعی را بررسی می‌کنند. دوم، تبیین رفتار انسان‌ها را ممکن می‌سازد؛ زیرا بسیاری از رفتارهای افراد، تحت تأثیر هنجارها، ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی است. سوم، شناخت نظم و انسجام اجتماعی را تسهیل می‌کند؛ زیرا امر اجتماعی نشان می‌دهد چگونه قواعد مشترک باعث حفظ نظم جامعه می‌شوند. چهارم، تحلیل مسائل اجتماعی، نظیر جرم، خودکشی، فقر و نابرابری را علمی‌تر می‌کند. دورکیم در مطالعات جامعه‌شناختی نشان داد که حتی پدیده‌ای به ظاهر کاملاً فردی مانند خودکشی می‌تواند ریشه‌های اجتماعی داشته باشد. پنجم، استقلال جامعه‌شناسی به‌عنوان یک علم را تقویت کرد؛ زیرا دورکیم استدلال می‌کرد که پدیده‌های اجتماعی باید با عوامل اجتماعی توضیح داده شوند، و نه صرفاً عوامل روان‌شناختی یا زیستی.

۳. حکمرانی در امر اجتماعی

حکمرانی در امر اجتماعی یکی از مباحث مهم مورد بحث در میان اندیشمندان اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسان است. چراکه امروزه در بسیاری از کشورها، مسئله‌های اجتماعی دیگر صرفاً با دستورهای اداری و برنامه‌های کوتاه‌مدت حل نمی‌شوند. پیچیدگی فقر، نابرابری، آسیب‌های اجتماعی، مهاجرت، سالمندی جمعیت و تغییرات فرهنگی نشان داده که مدیریت این حوزه، نیازمند نوعی «حکمرانی اجتماعی» است؛ رویکردی که فراتر از مدیریت دولتی عمل می‌کند و بر تعامل دولت، جامعه مدنی،

نهادهای محلی و شهروندان استوار است. به این ترتیب، حکمرانی امر اجتماعی به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. حکمرانی امر اجتماعی، از منظر علم جامعه‌شناسی، به مجموعه‌ای از فرایندها، نهادها، سیاست‌ها و سازوکارهایی گفته می‌شود که از طریق آن‌ها اهالی جامعه و دولت برای مدیریت مسائل اجتماعی، تأمین رفاه عمومی، حفظ انسجام اجتماعی و حل تعارضات اجتماعی عمل می‌کنند. واقعیت این است که این مفهوم از «حکومت» گسترده‌تر است؛ زیرا تنها به اقدامات دولت محدود نمی‌شود، بلکه نقش نهادهای مدنی، بخش خصوصی، خانواده، رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و بالاخره خود شهروندان را نیز دربرمی‌گیرد.

۴. استلزامات کارآمدی حکمرانی امر اجتماعی

پیام روشن حکمرانی امر اجتماعی این است که سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری درباره مسائل اجتماعی، نباید تنها در اتاق‌های بسته اداری انجام شود. تجربه جهانی نشان داده که هرگاه سیاست‌های اجتماعی بدون درک دقیق از زندگی روزمره مردم و بدون مشارکت ذی‌نفعان طراحی شوند، یا به نتیجه نمی‌رسند یا به مقاومت اجتماعی منجر می‌شوند. به همین جهت یکی از چالش‌های اصلی حکمرانی اجتماعی در جوامع در حال توسعه، تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری است. این در حالی است که بسیاری از مسائل اجتماعی، ماهیتی محلی دارند و راه‌حل‌های آن‌ها نیز باید متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی هر منطقه طراحی شود. بنابراین، اگر نهادهای محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها و حتی خود گروه‌های هدف در فرآیند تصمیم‌سازی حضور داشته باشند، سیاست‌ها واقع‌بینانه‌تر و پایدارتر خواهند بود. چون تقویت مدیریت محلی و واگذاری بخشی از اختیارات به نهادهای شهری و منطقه‌ای می‌تواند به کارآمدی سیاست‌های اجتماعی کمک کند. اساساً اعتماد عمومی سرمایه‌ای است که اجرای هر سیاست اجتماعی به آن وابسته است. اگر مردم احساس کنند که سیاست‌ها عادلانه طراحی شده‌اند و نتایج آن‌ها به‌طور شفاف ارزیابی می‌شود، همکاری اجتماعی افزایش خواهد یافت. در غیر این صورت، حتی بهترین برنامه‌ها نیز با بی‌اعتمادی و بی‌اثر شدن مواجه می‌شوند. نکته مهم دیگری که در کارآمدی حکمرانی امر اجتماعی دخالت دارد، این است که در سیاست‌های اجتماعی حرکت از رویکرد «واکنشی» به «پیشگیرانه» است. بسیاری از دولت‌ها زمانی وارد عمل می‌شوند که آسیب‌های اجتماعی به مرحله بحران رسیده است؛ اما حکمرانی اجتماعی کارآمد تلاش می‌کند با تحلیل داده‌ها، پژوهش‌های اجتماعی و رصد مستمر وضعیت جامعه، پیش از تبدیل شدن مشکلات به بحران، مداخلات لازم را طراحی کند.

۵. عناصر حکمرانی در امر اجتماعی

حکمرانی در امر اجتماعی بیش از آنکه یک ساختار اداری باشد، یک فرهنگ مدیریتی است؛ فرهنگی که بر گفت‌وگو، مشارکت، یادگیری جمعی و تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد تکیه دارد. در جهانی که مسائل

اجتماعی هر روز پیچیده‌تر می‌شوند، هیچ نهادی به تنهایی قادر به حل آن‌ها نیست و تنها از مسیر همکاری میان دولت، جامعه و شهروندان است که می‌توان به راه‌حل‌های پایدار و عادلانه دست یافت. البته در گذشته تصور می‌شد که دولت به تنهایی مسئول اداره امور اجتماعی است، اما در رویکرد نوین حکمرانی، مسائل اجتماعی نتیجه تعامل بازیگران متعدد هستند. چون حکمرانی اجتماعی در حقیقت به معنای هدایت، هماهنگی و تنظیم روابط میان این بازیگران برای دستیابی به اهداف اجتماعی است. برای مثال، کاهش فقر فقط وظیفه دولت نیست؛ بلکه نهادهای خیریه، سازمان‌های مردم‌نهاد، شرکت‌ها، رسانه‌ها و مردم نیز در آن نقش دارند. براساس یافته‌های جامعه‌شناسی، در حکمرانی امر اجتماعی علاوه بر دولت، عناصر متعدد دیگری نیز نقش‌آفرین بوده و هر کدام از این بازیگران نقش‌های مشخصی برعهده گرفته‌اند تا بتوانند به اهدافی مانند تحقق عدالت اجتماعی (از طریق کاهش نابرابری‌ها، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، توزیع عادلانه فرصت‌ها)؛ افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی (از طریق تقویت اعتماد عمومی، کاهش شکاف‌های اجتماعی، تضمین خواست و نیازهای منطقی همگان)؛ ارتقای رفاه اجتماعی (از طریق بهبود آموزش، توسعه خدمات سلامت، تأمین اجتماعی و حمایت‌های رفاهی) را محقق نمایند، تا حکمرانی واقعی در امر اجتماعی محقق گردد.

عناصر اصلی حکمرانی اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسان عبارتند از:

- ۱) «دولت» که مهم‌ترین بازیگر حکمرانی اجتماعی است و وظایفی مانند: قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، نظارت، تأمین منابع مالی، و ارائه خدمات عمومی را برعهده دارد.
- ۲) «جامعه مدنی» که شامل انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های داوطلبانه است که میان دولت و مردم قرار می‌گیرند. نقش‌های جامعه مدنی عبارت است از: بیان مطالبات مردم، نظارت بر عملکرد دولت، آموزش و آگاهی‌بخشی، و ارائه خدمات اجتماعی.
- ۳) «بخش خصوصی» همانند شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی که می‌توانند از طریق ایجاد اشتغال، با پذیرش مسئولیت اجتماعی توسط شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری در امور اجتماعی، در حکمرانی امر اجتماعی نقش‌آفرین باشند.
- ۴) «شهروندان» آخرین عنصر از عناصر اصلی در حکمرانی امر اجتماعی هستند؛ چراکه در الگوی جدید حکمرانی، شهروندان صرفاً دریافت‌کننده خدمات نیستند، بلکه در تصمیم‌سازی، نظارت، و حل مسائل محلی مشارکت می‌کنند. پرواضح است که شهروندان به معنای واقعی، شامل عموم و همه طبقات بوده و درجه‌بندی ظاهری و یا باطنی نشده باشد.

۶. اصول حکمرانی مطلوب در امر اجتماعی

براساس واقعیت جامعه‌شناسی، حکمرانی مطلوب در امر اجتماعی، تنها زمانی می‌تواند جامه عمل

بپوشد که برخی از اصول توسط عناصر اصلی حکمرانی، رعایت شود. اصولی همانند:

۱) اصل «مشارکت»؛ به این معنا که همه اقشار و گروه‌ها باید در فرایند تصمیم‌گیری در امر اجتماعی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم حضور و دخالت داشته باشند. مستقیم آنجایی است که افراد فعالیت ایجابی داشته باشند، غیرمستقیم جایی است که افراد با سکوت خود اعلام رضایت نمایند. البته این در صورتی است که افراد، فرصت اظهارنظر داشته باشند.

۲) اصل «پاسخگویی»؛ به این معنا که نهادهای مسئول باید در برابر عملکرد خود پاسخگو باشند. اگر این اصل رعایت نشود و کنشگران امر اجتماعی، پاسخگوی عملکرد خود نباشد، امور اجتماعی به هرج و مرج مبتلا خواهد شد.

۳) اصل «شفافیت»؛ شفافیت اصلی است که براساس آن اطلاعات و تصمیمات باید برای عموم قابل دسترس باشد. بی‌تردید در جامعه‌ای که اطلاعات طبقه‌بندی شده باشد و امور مهم تنها در اختیار خواص و گروه‌های ویژه قرار گیرد، مطمئناً امر اجتماعی مطلوب آرزویی بیش نخواهد بود.

۴) اصل «قانون‌مداری»؛ براساس این اصل، باید همه بازیگران در چارچوب قوانین عمل کنند.

۵) اصل «عدالت»؛ سیاست‌ها باید منافع همه گروه‌های اجتماعی را در نظر بگیرند. بدون شک آن دسته از سیاست‌هایی که دربرگیرنده بخشی از افراد یا گروه‌های جامعه باشد، نه تنها سایر بخش‌های جامعه آسیب خواهند دید، بلکه منافع همان گروه خاص نیز تضمین نخواهد شد. مطالعات جامعه‌شناختی نشان داده که چنین جوامعی با چه سرعتی متزلزل شده و پیوندهای اجتماعی آنها از میان رفته است.

۷. آسیب‌شناسی حکمرانی در امر اجتماعی

هر پدیده‌ای در عرصه اجتماعی در فرایند شکل‌گیری یا تداوم حیات خود با چالش و مشکلاتی مواجه است؛ حکمرانی امر اجتماعی نیز از این امر مستثنی نیست. بی‌تردید حکمرانی امر اجتماعی زمانی می‌تواند محقق شود و استمرار داشته باشد که مبتلا به مشکلاتی چون نابرابری اقتصادی، کاهش اعتماد اجتماعی، فساد اداری، ضعف مشارکت مدنی، تعارض منافع میان گروه‌های مختلف، گسترش آسیب‌های اجتماعی، و تمرکزگرایی بیش از حد در تصمیم‌گیری نگردد. چون این چالش‌ها نه تنها می‌توانند کارآمدی حکمرانی اجتماعی را کاهش دهند، بلکه پدیداری و حیات آن را تحت الشعاع قرار خواهند داد. البته از این واقعیت هم نباید غافل بود که حکمرانی در امر اجتماعی، زمانی می‌تواند از تهدید و چالش‌های بالقوه و یا بالفعل مذکور در امان باشد که بازیگران و عناصر موثر در این حکمرانی، تنها به انجام وظایف صنفی و گروهی خود اکتفاء نکنند، بلکه به هنگام اقدام، با دیگر عناصر، هماهنگی لازم را داشته و به نوعی ارتباط شبکه‌ای برقرار نمایند تا علاوه بر هم‌افزایی، بر توانمندی یکدیگر بیفزایند؛

زیرا امر اجتماعی، امری پیچیده و چند لایه است و تنها زمانی می‌تواند به صورت مطلوب اجرا گردد که همه ابعاد آن مطمع نظر قرار گیرد؛ و این تنها با ایجاد شبکه‌ای از ارتباط و هم‌افزایی میان عناصر و بازیگران این حکمرانی ممکن خواهد بود. همچنین این هم‌افزایی و شبکه‌ای عمل کردن، نه تنها باید در میان همه بازیگران و عناصر باشد، بلکه باید در میان اعضای هریک از عناصر یاد شده نیز تحقق یابد. به عنوان مثال، هماهنگی بین بخشی در خود دولت به عنوان یکی از عناصر بازیگر در حکمرانی امر اجتماعی، می‌تواند موجب موفقیت بیشتر در اجرای نقش آن شود. چون مسائل اجتماعی معمولاً بین چند وزارتخانه یا سازمان پخش می‌شوند. لذا، دولت باید برای جلوگیری از سیاست‌های متناقض، نهادهای هماهنگ کننده را ایجاد نموده و سیاست‌های میان بخشی را طراحی کند.

منابع

- دورکیم، امیل (۱۳۷۵). *قواعد و روش در جامعه‌شناسی*. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل (۱۴۰۲). *خودکشی*. ترجمه: نادر سالار زاده امیری. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- هیدستروم، پیتر (۱۳۹۷). *اصول جامعه‌شناسی تحلیلی - تشریح امر اجتماعی*. ترجمه: فرهاد نصرتی‌نژاد و سید اظهر میرعابدینی. تهران: نشر آگه.